

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف* (Valentin Kasatonov)

فرستنده: علی مشرف

۰۷ نومبر ۲۰۲۲

مانور واردات ستالین



صنعتی کردن در اتحاد جماهیر شوروی از اواخر دهه ۱۹۲۰ شروع شد. اهداف صنعتی‌سازی غلبه بر عقب ماندگی شدید اقتصادی کشور شوروی از کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری، دستیابی به استقلال اقتصادی و حمایت اقتصادی برای دفاع مطمئن از کشور بود. مهمترین نقش در صنعتی کردن را تجارت خارجی ایفاء می‌کرد.

برای ایجاد یک صنعت قدرتمند، دولت شوروی به کالاهای مختلف برای مقاصد صنعتی- ماشین‌آلات، تجهیزات، مواد خام و مواد دیگر نیاز داشت. اما آن‌ها در کشور ویران شده در اثر جنگ وجود نداشتند (حتی بسیاری از کالاهای صنعتی در روسیه قبل از انقلاب نیز تولید نمی‌شد). برای راه‌اندازی صنعتی‌سازی، خریدهای وارداتی در مقیاس بزرگ برای چنین کالاهایی مورد نیاز بود (امروزه معمولاً آن‌ها را «سرمایه‌گذاری» می‌نامند).

اکثر رهبران حزب و دولت در دهه ۱۹۲۰ موافق بودند که باید بر عقب ماندگی اقتصادی از غرب غلبه کرد و باید کشور را از کشاورزی به صنعتی تبدیل کرد. اما اختلافات زیادی در رویکردها و روش‌های حل چنین مشکلاتی وجود داشت. در نهایت، درگیری‌های جناحی در داخل حزب آغاز شد.

اکنون ما توجه خود را فقط روی آن دیدگاه‌هایی که به نقش و جایگاه تجارت خارجی در اقتصاد دولت شوروی مربوط می‌شود، معطوف می‌کنم. من مطالب مفید زیادی در مورد این موضوع در یک کتاب بسیار جالب و آموزنده قبل از جنگ، در «کتاب بین‌الملل» تجارت خارجی و صنعتی‌سازی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، تألیف دمیتری میشتوتسین پیدا کردم (مسکو، ۱۹۳۸). در صورت لزوم برای ارائه آمار از این منبع استفاده خواهم کرد.

لئون تروتسکی و حامیانش از این واقعیت نتیجه گرفتند که سوسیالیسم واقعی در روسیه تنها زمانی می‌تواند ساخته شود که انقلاب سوسیالیستی در سراسر جهان پیروز شود. او موضعی که دیگر تبدیل به یک جزم در حزب شده بود، اتخاذ کرد که سوسیالیسم را نمی‌توان در یک کشور واحد ساخت و اگر دگرگونی‌های عمیق اجتماعی-اقتصادی در روسیه شوروی غیرممکن باشد، آنگاه محکوم به باقی ماندن کشاورزی (یا کشاورزی-صنعتی) است و می‌تواند بسیاری از نیازهای داخلی خود را (هم در کالاهای مصرفی و هم در کالاهای سرمایه‌گذاری) تنها از طریق واردات تأمین نماید. به دست آوردن ارز برای خرید واردات از طریق صادرات معمول غلات، الوار، کتان، کنف و سایر کالاهای سنتی امکان‌پذیر است. به طور کلی، روسیه شوروی به جای ساخت و ساز اقتصادی باید درگیر انقلاب جهانی شود. پس از پیروزی انقلاب جهانی می‌تواند مسأله اقتصاد را حل کند.

میشوستین می‌نویسد: «بنا به نظریه منشویکی، کشور ما ضمیمه سرمایه‌داری جهانی است، پیروزی سوسیالیسم در کشور به دلیل تابعیت اقتصاد آن از قوانین توسعه اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، ما غیرممکن است. تروتسکیسم انقلابی، بر اساس تئوری منشویکی، مخالف انحصار تجارت خارجی بود و معتقد بود که اتحاد شوروی باید به عنوان یک کشور کشاورزی، عقب‌مانده و واردکننده ماشین‌آلات و تجهیزات باقی بماند. بر اساس این فرضیه، تروتسکیسم ساختار تجارت خارجی اتحاد شوروی را به‌مثابه ساختار تجارت خارجی یک کشور کشاورزی معمولی تصور می‌کرد که به ازای واردات کالاهای ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی، همیشه باید غلات را به خارج از کشور صادر کند.

نیکلای بوخارین («اپوزیسیون راست») از مخالفان صنعتی کردن سریع بود. او گزینه «تکاملی» ایجاد صنایع، یعنی شروع از ایجاد صنایع سبک را پیشنهاد می‌کرد. او معتقد بود که در این صورت، گردش و انباشت سرمایه به سرعت محقق می‌شود و با انباشت تدریجی سرمایه، می‌توان به سمت انواع تولیدات صنعتی کم سودتر رفت و دست‌آخر، به ایجاد صنایع سنگین شروع کرد. همانطور که انگلیس این مسیر را طی کرد، ما نیز باید برویم. درست است، در انگلستان تقریباً یک قرن طول کشید. اما دولت شوروی چنین زمانی را نداشت. محاصره امپریالیستی در این مدت می‌تواند ده بار آن را نابود کند. همانطور که ستالین گفت، دولت شوروی می‌باید در مدت ده سال بر عقب ماندگی اقتصادی غلبه کند.

بوخارین همچنین از کولاک‌ها در روستاها دفاع می‌کرد. او با گرفتن غله از دهانان که باید به دست صنعتی‌سازان برسد، مخالف بود. بحث داغی در مورد این موضوع بین بوخارین و ستالین در پلنوم اپریل کمیته مرکزی حزب کمونیست «بلشویک‌ها» در سال ۱۹۲۹ درگرفت. ستالین پرسید: «خب، اگر هنوز نان کافی برای عرضه در بازار وجود نداشته باشد، چه باید کرد؟ بوخارین در پاسخ می‌گوید: «باید غلات را از خارج وارد کرد و با اقدامات اضطراری مزاحم کولاک نشد.»

بوخارین پیشنهاد کرد برای حل مشکل غذا، به حدود ۱۰۰ میلیون روبل ارز، یعنی به حساب کاهش ۱۰۰ میلیونی خرید برنامه‌ریزی شده تجهیزات صنعتی نیاز است تا ۵۰ میلیون پود غلات وارد کنیم. ستالین با چنین «انساندوستی» و اپورتونیستی بوخارین قاطعانه مخالف بود.

میشوستین متذکر می‌شود: «این به معنای همان تسلیم راست‌ها در برابر کولاک‌ها بود. طبیعتاً حزب اجازه نداد به بهای واردات غلات به واردات تجهیزات صنعتی لطمه وارد شود. حزب و دولت شوروی با توسل به تدابیر اضطراری، کولاک‌ها را واداشتند تا غلات خود را به دولت بفروشند و بدین وسیله نه تنها امکان اجرای طرح صنعتی‌سازی، به ویژه طرح واردات ماشین‌آلات را تضمین کردند، حتی روند بازسازی سوسیالیستی کشاورزی را سرعت بخشیدند.

حامیان بوخارین (اپوزیسیون راست) از این هم فراتر رفتند: آن‌ها پیشنهاد کردند که اولویت در واردات کالاهای سرمایه‌گذاری را کنار بگذارند و بر روی واردات مواد غذایی، کالاهای مصرفی صنعتی، مواد خام برای صنایع سبک تمرکز نمایند.

می‌شوستین تصریح می‌کند: «بر اساس خط معطوف به ممانعت از صنعتی کردن کشور و تعاونی‌سازی کشاورزی بر پایه مواضع تسلیم‌طلبانه در مقابل کولاک‌ها و احیای سرمایه‌داری در اتحاد جماهیر شوروی، جناح راست با واردات ماشین‌آلات و تجهیزات مخالفت کرد. به طور کلی آن‌ها با کنار گذاشتن طرح صنعتی شدن، پیشنهاد کردند که نه ماشین‌آلات، بلکه مواد اولیه صنایع سبک، کالاهای مصرفی و حتی غله وارد شود.

در رابطه با بوخارین، همچنین باید توجه داشت که او مخالف انحصار دولتی تجارت خارجی بود. او پیشنهاد کرد که به منظور حمایت از بازار داخلی در برابر رقابت خارجی و ایجاد شرایط مساعدی برای توسعه اقتصادی روسیه، دولت باید تنها به عوارض گمرکی بالا تکیه کند. بدیهی است که تنها انحصار دولتی تجارت خارجی می‌تواند سپر قابل اعتمادی برای محافظت از کشور در برابر رقابت خارجی و انواع دسیسه‌های دولت‌های متخاصم باشد. انحصار دولتی تجارت خارجی می‌باید از ایجاد رابطه خطرناک از طریق کانال‌های تجارت خارجی بین عناصر بورژوازی داخل کشور و سرمایه انحصاری غرب جلوگیری کند.

گریگوری سوکولنیکوف، کمیسر خلق در امور مالی، یکی دیگر از رهبران دولتی و حزبی بود که دیدگاه اصلی خود را در مورد تجارت خارجی بیان کرد. او معتقد بود که دولت شوروی باید وارد بازار خارجی شود و در کنار سایر کالاها، ماشین‌آلات و تجهیزات خریداری کند. اما چنین خرید کالاهای سرمایه‌گذاری باید دائمی و بخشی جدایی‌ناپذیر حیات اقتصادی کشور باشد. همچنان که بسیاری از کشورهای جهان واردکننده دائمی ماشین‌آلات و تجهیزات هستند. تجهیزات قدیمی وارداتی فعال در صنایع مختلف مستهلک شده و با تجهیزات جدید خریداری شده از بازار جهانی می‌شوند. این، روال عادی در اقتصاد است.

اتفاقاً، دمیتری میشوتسین آمارهای جامعی حاکی از این ارائه می‌دهد که توسعه یافته‌ترین کشورها از نظر اقتصادی (ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه، المان) یعنی صادرکنندگان پیشرو ماشین‌آلات و تجهیزات، چندین دهه خریدار انواع ماشین‌آلات و تجهیزات بودند و کمبودهای تجهیزاتی خود را از واردات تأمین می‌کردند. کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز به طور دائم، کالاهای سرمایه‌گذاری وارد می‌کنند. سوکولنیکوف در واقعیت امر، تقریباً همان شیوه مدیریت کشورهای سرمایه‌داری را پیشنهاد کرد.

نقل قول از میشوستین: «سوکولنیکوف... واردات ماشین‌آلات و تجهیزات را نه به عنوان یک وسیله در مبارزه برای صنعتی کردن اتحاد شوروی، بلکه به طور کلی به عنوان یک اصل ابدی اقتصاد شوروی می‌دانست»

و حالا موضع ی. و. استالین، که در کنگره چهاردهم حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) در دسامبر ۱۹۲۵ بیان کرد. تروتسکی، بوخارین و به ویژه سوکولنیکوف مورد انتقاد قرار گرفتند. موضع ستالین بسیار ساده و قانع‌کننده بود. اتحاد شوروی باید ماشین‌آلات و تجهیزات وارد کند، اما این نباید برای همیشه ادامه یابد. واردات سرمایه‌گذاری باید صنعتی شدن کشور را، در درجه اول ایجاد صنایعی که وسایل تولید را تولید می‌کنند، تضمین کند.

وقتی چنین صنایعی ایجاد می‌شود، کشور می‌تواند و باید از واردات نه تنها کالاهای مصرفی، بلکه از واردات وسایل تولید خودداری کند. اتحاد شوروی به استقلال اقتصادی دست خواهد یافت که پیش از این هیچ کشور دیگری در جهان نتوانسته است به آن دست یابد.

ستالین در پاسخ به سوکولنیکوف در کنگره چهاردهم حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) تأکید کرد: «همه می‌دانند که ما اکنون مجبور به واردات تجهیزات هستیم. اما سوکولنیکوف این نیاز را به یک اصل، به یک نظریه، به چشم‌انداز توسعه تبدیل می‌کند. من در گزارش خود در مورد دو خط اساسی، هدایتگر و خطوط کلی برای ساختن اقتصادمان صحبت کردم. من در این خصوص صحبت کردم تا این مسأله روشن شود که چگونه می‌توان توسعه اقتصادی مستقل کشورمان را در شرایط محاصره سرمایه‌داری تضمین کرد. من در بخش گزارش مربوط به خط کلی ما، در مورد چشم‌انداز ما، به معنای تبدیل کشورمان از کشاورزی به صنعتی صحبت کردم. کشور کشاورزی چیست؟ کشور کشاورزی کشوری است که محصولات کشاورزی را صادر و تجهیزات را وارد می‌کند، اما خودش این تجهیزات (ماشین‌آلات و ...) را تولید نمی‌کند یا تقریباً به به اتکاء نیروی خود تولید نمی‌کند.

اگر در مرحله توسعه، در مرحله واردات تجهیزات و ماشین‌آلات گیر کنیم و به نیروی خودمان تولید نکنیم، نمی‌توانیم از تبدیل کشورمان به زانده نظام سرمایه‌داری جلوگیری کنیم. به همین دلیل است که باید مسیر توسعه تولید وسایل تولید در کشورمان گام برداریم...

تبدیل کشور ما از کشاورزی به صنعتی که بتواند به تنهایی تجهیزات لازم را تولید کند، یک اصل و اساس خطوط کلی ما است. باید کارها را به گونه‌ای سامان دهیم که افکار و آرزوهای مدیران کسب و کار به این سمت سوق داده شود تا کشورمان از کشور واردکننده تجهیزات به کشور تولیدکننده این تجهیزات تبدیل شود. زیرا، این اصل تضمین می‌کند که کشور ما به زانده نظام سرمایه‌داری تبدیل نخواهد شد».

من از ستالین بیشتر نقل قول نمی‌کنم. ایده او مبنی بر استفاده از تجارت خارجی برای انجام صنعتی‌سازی را می‌توان خیلی ساده فرموله کرد: انجام خرید وارداتی پر انرژی و در مقیاس بزرگ ماشین‌آلات و تجهیزات به منظور کاهش شدید واردات و شاید حتی به صفر رساندن آن به طور کلی. من این ایده را «مانور وارداتی ستالین» می‌نامم که با موفقیت اجراء شد. افزایش شتابان واردات سرمایه‌گذاری در اتحاد شوروی در سال ۱۹۲۹، درست زمانی که اولین برنامه پنج ساله راه‌اندازی شد، آغاز گردید (این برنامه قبل از موعد مقرر، در چهار سال تکمیل شد). این، دوره افزایش شدید واردات است. در اینجا داده‌ها بر اساس سال (میلیون روبل به قیمت‌های ۱۹۱۳): ۱۹۲۹-۱۹۱۱ و ۸ دهم؛ ۱۹۳۰-۳۹۵۶؛ ۱۹۳۱-۵۱۶۶ و ۶ دهم؛ ۱۹۳۲-۴۲۸۵ و ۴ دهم.

دمیتری می‌شوستین بر اساس محاسبات خود می‌نویسد: «... تقریباً نیمی از کالاهای وارد شده توسط کشور شوروی در تمام سال‌های موجودیتش فقط در ۴ سال نخست برنامه پنج ساله اول وارد شده است».

رکورد حجم واردات برای تمام سال‌های قبل از جنگ دولت شوروی در سال ۱۹۳۱ ثبت شد. در عین حال، افزایش مستمر سهم کالاهای صنعتی در واردات، به ویژه، واردات ماشین‌آلات و تجهیزات ۳۳ و ۶ دهم درصد در سال ۱۹۲۹، ۵۱ و ۲ دهم درصد در سال ۱۹۳۰ و ۶۰ و یک دهم درصد در سال ۱۹۳۱ ادامه یافت. ارزش چنین وارداتی (میلیون روبل) بود: ۱۹۲۹-۱۲۹۵ و ۶ دهم؛ ۱۹۳۰-۲۳۷۴ و ۴ دهم؛ ۱۹۳۱-۲۹۰۹ و ۲ دهم. به لحاظ ارزش، واردات ماشین‌آلات و تجهیزات در سال ۱۹۳۱ به میزان ۵.۵ برابر بیشتر از رقم سال ۱۹۲۵ بود. به هر حال، سال ۱۹۳۱ از نظر شاخصی مانند سهم واردات تولیدی از کل واردات یک ساله معادل ۹۳ و ۲ دهم درصد، رکورد بود (به عکس واردات مواد مصرفی کمترین سهم را داشت - ۶ و ۸ دهم درصد). برای مقایسه، توجه داشته باشید که این رقم در سال ۱۹۲۸ ۶۴ درصد بود.

قابل توجه است که در اوایل دهه ۱۹۳۰ اتحاد جماهیر شوروی همچنان از نظر کل واردات موقعیت نسبتاً متوسطی داشت. در طول سال‌های برنامه پنج ساله اول، سهم واردات شوروی در واردات جهانی به طور متوسط، به سختی

از ۲٪ فراتر رفت. این نه تنها کمتر از واردات قدرت‌های بزرگ امپریالیستی، حتی کمتر از واردات کشورهایمانند ارجنتاین، استرالیا و چکسلواکی نیز بود. برای مقایسه، یادآوری می‌کنیم که سهم ایالات متحده آمریکا در واردات جهانی از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ از ۱۲ و ۳ دهم تا ۸ و نیم درصد، انگلستان- از ۱۷ و ۹ دهم تا ۱۵ و ۳ دهم درصد، فرانسه- از ۹ تا ۶ و نیم درصد، المان- از ۹ و ۱ دهم درصد به ۷ و ۸ دهم درصد و ایتالیا- از ۳ و ۴ دهم به ۲ و ۹ دهم درصد افزایش یافت.

واردات اتحاد شوروی، حتی در سال‌های بالاترین میزان، کمتر از میانگین واردات سالانه روسیه تزاری در دوره قبل از جنگ و همچنین اتحاد شوروی در سال‌های ۱۹۳۱، ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ بود. همانطور که دمیتری میخوسستین نوشت، اتحاد شوروی به عنوان خریدار ماشین‌آلات و تجهیزات در رتبه اول جهانی قرار داشت. در سال ۱۹۳۱، اتحاد شوروی حدود یک سوم، و در سال ۱۹۳۲، حدود نیمی از صادرات تمام ماشین‌آلات جهان (به استثنای خودرو) را خریداری کرد.

با آغاز برنامه پنج ساله دوم (۱۹۳۳-۱۹۳۷)، پایه صنعت شوروی دیگر در کشور ایجاد شده بود. کاهش شدید واردات از آن زمان آغاز شد. کتاب دمیتری میخوسستین حاوی ارقام جالب زیادی دال بر کاهش شدید حجم واردات شوروی از جمله ماشین‌آلات و تجهیزات است. در سال ۱۹۳۳، ماشین‌آلات وارداتی تنها ۲-۳ درصد از کل ماشین‌آلات مورد نیاز را تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۳۶، واردات ماشین‌آلات بیش از ۱ درصد کل ماشین‌آلات لازم را تشکیل نمی‌داد. در این زمینه تنها یک نقل قول از کتاب مذکور ذکر می‌کنم: «فقط همین که بگوئیم بالاترین حد واردات ماشین‌آلات در سال ۱۹۳۷، به ۱۰ برابر کمتر از واردات آن‌ها در سال ۱۹۳۱ رسید. «مانور واردات» اتحاد شوروی به نحو زیر انجام شده است: چهار سال واردات اجباری ماشین‌آلات و تجهیزات به منظور کنار گذاشتن تقریباً کامل واردات.؟؟؟

حالا بیایید به سرزمین نفرین شده امروز فدراسیون روسیه برگردیم. از سال ۲۰۱۴، موعظه‌هایی در مورد لزوم جایگزینی واردات می‌شنویم. اما هیچ چیز تغییر نکرده است! تمام برنامه‌های جایگزینی واردات که هشت سال پیش راه‌اندازی شد، به‌شدت شکست خورده است. تلاش‌های مسئولان برای فعال‌سازی جایگزینی واردات که از ۲۴ فبروری سال جاری آغاز شد نیز تا کنون بسیار کمرنگ به نظر می‌رسد.

هیچ پیشرفتی در جبهه جایگزینی واردات قابل مشاهده نیست و اگر آن‌ها از تجربه مانور وارداتی ستالین استفاده می‌کردند، در عرض چهار سال می‌توانستند به یک کشور قدرتمند، خودکفا و مستقل تبدیل شوند. اما روسیه برای رسیدن به این جایگاه، باید راه سوسیالیسم را در پیش بگیرد.

میخوسستین می‌نویسد: «ماهیت سوسیالیستی اقتصاد شوروی بود که امکان واردات به طور کلی و واردات ماشین‌آلات را به طور اخص فراهم کرد تا در خدمت صنعتی کردن و دستیابی به استقلال فن‌آوری- اقتصادی کشور شوروی باشد».

۱۴ آبان- عقرب ۱۴۰۱

<https://sovross.ru/articles/2338/58880>

*- پروفیسور، دکتر علوم اقتصادی، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه